

صراط



آن عالم بزرگ تاریخ روحانیت بر چمدار یک مبارزه پُر معزز و پُر معنا علیه مراکز فساد و کانون‌های طغیان و انحراف بود. حرکت میرزای شیرازی – که بر خلاف بسیاری از حوادث ۱۵۰ سال اخیر، متأسفانه هنوز کار درست و کاملی درباره آن نشده است - یک حرکت ذوابعداد و پُر معنا و بسیار پُر برکت بوده است. آن یک سطری که میرزای شیرازی نوشت و آن روز بساط کمپانی انگلیسی را از ایران برچید و سلطه استعماری

به بهانه سالگرد فتوای تاریخی میرزای شیرازی

مکتب سامرا؛ یادگار میرزا



■ **محسن خوش خلق**

گرچه در افکار عمومی، میرزای شیرازی بیشتر با صدور فتوای تاریخی تحریم تون و تنباکو شناخته می‌شود و ابعاد سیاسی و ضداستعماری ایشان بیشتر زیر ذره‌بین قرار گرفته‌است، اما میرزای شیرازی علاوه بر وسعت نظر در مسائل عامه مسلمان و اجتماعیات، بُعد مهم‌تری نیز داشته‌اند که اهل علم و فن، ایشان را سرآمد اندیشه فقهی عصر خود و در دوران زعامت عامه مسلمان می‌دانند. «مکتب سامرا» شیوهای از دراست در حوزه علمیه‌است که اساسش بر پژوهش محوری و تعقل به جای انتقال یکسره مطالب توسط استادان است. در ادامه و با توجه به نزدیکی سالروز پیام تاریخی میرزای شیرازی مروری بر شخصیت این عالم بزرگ و مکتب سامرا خواهیم داشت.

■ **زندگی میرزا**

سیدمحمدحسین، معروف به میرزای شیرازی در سال ۱۲۸۱ هجری قمری و پس از شیخ مرتضی انصاری به عنوان زعیم شیعیان در آن عصر مورد تأیید و توجه مردم قرار گرفت. وی علاوه بر بهر‌مندی از اساتید بزرگی در حوزه اصفهان، در نجف به شاگرد دی شیخ محمدحسین نجفی (صاحب جواهر) منتخر شد واز محضر عالم بزرگ و زعیم وقت مذهب، آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری استفاده کرد. شیخ مرتضی انصاری، بارها علم و قدرت فقهی میرزای شیرازی را مورد تحسین قرار داد و به اجتهاد وی اقرار کرد.

میرزای شیرازی، فعالیت و اعلام موضع سیاسی را هم جزو وظایف فقیها می‌دانست و شاید در عصر خود علاوه بر زعامت فقهی شیعه، بر جمعیتی سیاسی نیز در بین مردم داشت، به طوری که حکم تحریم توتون و تنباکوی ایشان به منظور حفظ عزت مسلمان، کاملاً پرده از اعتقاد به لزوم در خدمت گرفتن سیاسی در راستای اهداف دینی برداشت. در نهضت تنباکو، وی قدرت چندجانبه بر جمعیت شیعه را به همگان نشان داد. امام خمینی درباره میرزای شیرازی می‌نویسد: «نصف سطر میرزای شیرازی رضوان

الله تعالی علیه، مملکت ما را از توی حلقوم خارجی‌ها بیرون کشید.»

از دیگر فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی این مجتهد بزرگ در طول عمر خویش می‌توان به مواردی نظیر «دفاع از شیعیان مظلوم افغانستان» و «تریت و اعزام مبلغان ویژه برای مناطق حساس و زیر سلطه مانند هند، کشمیر، افغانستان، قفقاز، عراق و…» اشاره کرد. نکته غالباً مغفول مانده در زندگی میرزای شیرازی، عظمت وی در مسائل فقهی است که این‌سال‌ها عمدتاً تحت تأثیر فرمان مهم تحریم و تنباکو، در حد مناسب به آن پرداخته شده‌است.

سیدمحسن امین از فقهای شیعه در کتاب اعیان‌الشیعه در تأیید علمای عالم بزرگ می‌نویسد: «او یکی از بزرگان و مشاهیر مدرسان در علم اصول و مریب علما بود. از حوزه درس ایشان اکثر فقهای عصر که شاگرد او بودند، فارغ‌التحصیل شدند. علاوه بر این، ایشان از علمای مجدداسلام به حساب می‌آید. وی از نبوغ سیاسی ویژه‌ای بر خوردار بود.» علامه سیدحسین صدر نیز به یکی از مجتهدان بزرگ کاظمین و از شاگردان بزرگ میرزا بوده‌است در کتاب خود «تکملهٔ امل‌الامل» در باره ایشان می‌نویسد: «او مجدداحکام (اسلامی) بود و تدبیر واندیشه سیاسی‌اش سیاستمداران را متحیر می‌کرد و علما و سلاطین در امور سیاسی به او رجوع می‌کردند.»

همچنین باید اشاره کرد، ایشان در کنار این از معدود فقهایی در عصر است که زمینه را برای تقریب آرای شیعیان و اهل سنت به کار بست. وی را می‌توان از منادیان وحدت معاصر به حساب آورد، چراکه عمر خود را در تربیت شاگردان با مشی و روشی تقریبی وقف کرد.

■ **مکتب سامرا**

با وفات مرجع عام شیعه شیخ مرتضی انصاری، میرزای شیرازی عهده‌دار این مقام مهم در عصر غیبت شد و حدود ۱۰ سال از نجف اشرف به تمشیت امور مسلمان و پاسخگویی به نیازهای دینی آنها پرداخت.

وی پس از حدود یک دهه، نجف را به مقصد سامرا ترک

کرد و در این هجرت، شمار زیادی از شاگردان نیز میرزا را همراهی کردند. با حضور زعیم بزرگ شیعیان در حوزه علمیه سامرا، زمینه برای حضور بزرگان و نجبگان دینی فراهم شد. بزرگانی چون «سیدحسین و سیداسماعیل شیعیان مظلوم افغانستان» و «تریت و اعزام مبلغان ویژه برای مناطق حساس و زیر سلطه مانند هند، کشمیر، افغانستان، قفقاز، عراق و…» اشاره کرد. نکته غالباً مغفول مانده در زندگی میرزای شیرازی، عظمت وی در مسائل فقهی است که این‌سال‌ها عمدتاً تحت تأثیر فرمان مهم تحریم و تنباکو، در حد مناسب به آن پرداخته شده‌است.

سیدمحسن امین از فقهای شیعه در کتاب اعیان‌الشیعه در تأیید علمای عالم بزرگ می‌نویسد: «او یکی از بزرگان و مشاهیر مدرسان در علم اصول و مریب علما بود. از حوزه درس ایشان اکثر فقهای عصر که شاگرد او بودند، فارغ‌التحصیل شدند. علاوه بر این، ایشان از علمای مجدداسلام به حساب می‌آید. وی از نبوغ سیاسی ویژه‌ای بر خوردار بود.» علامه سیدحسین صدر نیز به یکی از مجتهدان بزرگ کاظمین و از شاگردان بزرگ میرزا بوده‌است در کتاب خود «تکملهٔ امل‌الامل» در باره ایشان می‌نویسد: «او مجدداحکام (اسلامی) بود و تدبیر واندیشه سیاسی‌اش سیاستمداران را متحیر می‌کرد و علما و سلاطین در امور سیاسی به او رجوع می‌کردند.»

همچنین باید اشاره کرد، ایشان در کنار این از معدود فقهایی در عصر است که زمینه را برای تقریب آرای شیعیان و اهل سنت به کار بست. وی را می‌توان از منادیان وحدت معاصر به حساب آورد، چراکه عمر خود را در تربیت شاگردان با مشی و روشی تقریبی وقف کرد.

اندیشه

حرکت میرزای شیرازی سلطه استعمار را قطع کرد

را موقتاً از کشور قطع کرد. یک مبارزه چندجانبه بود. مبارزه با استعمار، پرچم پُرافتخاری است که میرزای شیرازی آن را بلند کرد و بعد از او این پرچم نخواهید. اگر چه قبل از میرزا هم از اینگونه فضا یا بود - زمان میرزای قمی، (۳) زمان کائسالفنطاه(۴) و دیگران و دیگران. که در دفاع از منافع ملت اسلامی و مسلمین ورود در مسائل اجتماعی سعی وافری داشتند - لیکن نمونه کامل آن، این حرکت بود.

د

در نهضت تنباکو، میرزای شیرازی قدرت چندجانبه بر جمعیت شیعه را به همگان نشان داد. امام خمینی در باره ایشان می‌نویسد: «نصف سطر میرزای شیرازی رضوان الله تعالی علیه، مملکت ما را از توی حلقوم خارجی‌ها بیرون کشید.»

د

یکی از ویژگی‌های اهل مکتب سامرا، نوشتن ساده و بهرپس از تکلف در نگارش بر خلاف مکتب نجف بود. کنار گذاشتن ادبیات مغلّق و پیچیده سبب شد درس آموختگان مکتب سامرا بتوانند هر چه بهتر با مردم ارتباط برقرار کنند و متون خود را به درک عمومی و قابلیت همه فهمی برسانند

د

سامرا برخلاف نجف از مناطق اهل سنت نشین عراق است و همین موقعیت مکانی، زمینه تعاملات فکری و اجتماعی با اهل سنت را بین اهالی مکتب سامرا بیشتر کرد. رفتار میرزا و اهمیت قائل شدن برای قبایل اهل سنت سبب تفاهم شیعه و اهل سنت و جلوگیری از هر گونه تشنج میان این دو گردید. نتیجه زمینه‌سازی برای این تفاهم‌گرایی را در اندیشه‌های وحدت محور علمای نسل بعدی بینیم که اسلام را به منزله یک پیکر واحد می‌نگریستند که باید در برابر دشمن واحد اختلافات با یکدیگر را کنار بگذارند. ایادی انگلیس بسیار برای تفرقه انداختن میان شیعه و اهل سنت در این دوران کوشیدند و حتی فرزند میرزا در توطئه مشکوکی کشته شد اما میرزا با سکوت خود هرگز اجازه سوءاستفاده از این قضیه را نداد. نتیجه این اقدام را می‌توان سالیان بعد در علمای اهل سنت سامرا و استقبال آنان از امام خمینی (ره) در ایام تبعید به عراق مشاهده کرد.

د

موجود در آنها می‌پرداخت واز بیان سایر مباحث خودداری می‌نمود. لذا از درس او تنها کسانی می‌توانستند بهره ببرند که خودشان با بررسی‌های قبلی پیرامون موضوع، به نظریه‌ها وادله احاطه پیدا کرده باشند و صرفاً حل مضللات و مشکلات علمی برایشان باقیمانده باشد.»

ب) تقریرنویسی در مکتب سامرا

تقریرنویسی در سیستم حوزوی بدین معناست که شاگردان در کلاس درس آنچه استاد می‌گوید را یادداشت کنند و آن جزوه نهایتاً تقریرات گفته می‌شود و اغلب در درس خارج موضوعیت داشته‌است. شیوه تقریر در مکتب سامرا امثال تفاوت جالبی با مکتب نجف داشت. بدین شیوه که استاد درس خود را برای شاگردان بیان می‌کرد و سپس در جلسه‌ای یکی از شاگردان زبده، همان درس را باقرائت خود برای دیگر طلاب بیان می‌کرد. آنچه آن شاگرد یا دیگر شاگردان از این شرح مباحث استاد یادداشت می‌کردند، تقریرات آن درس بود. میرزا به نگارش این تقریرها اهمیت می‌داد و گاه بعضی از این تقریرها را مورد تشویق قرار می‌داد یا در منابر خود از آنها استفاده تقریرهای متعدد با الهام از اندیشه مؤلف آن شد که به رشد و پویایی علمی دروس و کارآمدسای آن می‌افزود.

ج) اسنادگی از بنوشتر

یکی از ویژگی‌های اهل مکتب سامرا، نوشتن ساده و بهرپس از تکلف در نگارش برخلاف مکتب نجف بود. کنار گذاشتن ادبیات مغلّق و پیچیده سبب شد درس موختگان مکتب سامرا بتوانند هر چه بهتر با مردم ارتباط برقرار کنند و متون خود را به درک عمومی و قابلیت همه فهمی برسانند. توجه به شعر و ادب از دیگر ویژگی‌های مکتب سامرا بود. میرزا خود اهل ادب و شعر بود و به شاعران نیز اهمیت می‌داد که این خود سبب شد شاعران بسیاری در سامرا در آن دوره گردهم آیند.

د) تربیت استاد

یکی از وظایف اساسی حوزه‌های علمیه تربیت علما و فقهایی‌است که بتوانند در بلاد خود نقش آفرین باشند.

مکتب سامرا در این مسئله سرآمد بود و شاگردان میرزای شیرازی، خیلی زود مدارج ترقی را پیموده و وارد کسوت استادی می‌شدند. محمدتقی شیرازی، سیدمحمد فشارکی و آخوند خراسانی از جمله شاگردان توانمند میرزا بودند که در زمان حیات ایشان به تدریس علوم مشغول شدند.

یکی از نقاط ضعف حوزه نجف به رغم توان علمی و قدمت بالایی که داشت، بی‌توجهی به مسائل روز و اجتماعی بود. حتی گروهی از علمای نجف هر گونه بحث و اعمال نظر سیاسی را بدعت و آلوده کردن روحانیت به امور دنیوی برمی‌شمردند. برخی معتقدند یکی از مهم‌ترین دلایل هجرت میرزا به سامرا همین مسئله بود. اندیشه سیاسی مکتب سامرا، موجی تازه در فضای حوزوی به وجود آورد. حوزه با پدیده‌ها و علوم نوین آشناتر شد و روحانیون پرورش یافته این مکتب پیشقراول اصلاحات در عراق و ایران شدند. جالب‌است در این حوزه، علاوه بر دروس متعارف، مسائلی از جمله اصول حکومت بر مبنای نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر تدریس می‌شد. همچنین از وجوه بارز حوزه سامرا، اهتمام بر مسائل و مشکلات اجتماعی مردم و دستگیری از نیازمندان بود. این مرام بعدها توسط شاگردان میرزای شیرازی در حوزه قم و تهران نیز ادامه یافت. مرحوم حائری بزدی مؤسس حوزه قم و شاگرد میرزای شیرازی اهتمام خود را در قم به ساخت مساجد، مراکز خدماتی و مدارس و بیمارستان‌ها اختصاص داد که بی‌شک بهره گرفته از آموخته‌های مکتب سامرا بود.

و) تقریب‌گرایی مکتب سامرا

سامرا برخلاف نجف از مناطق اهل سنت نشین عراق است و همین موقعیت مکانی، زمینه تعاملات فکری و اجتماعی با اهل سنت را بین اهالی مکتب سامرا بیشتر کرد. رفتار میرزا و اهمیت قائل شدن برای قبایل اهل سنت سبب تفاهم شیعه و اهل سنت و جلوگیری از هر گونه تشنج میان این دو گردید. نتیجه زمینه‌سازی برای این تفاهم‌گرایی را در اندیشه‌های وحدت محور علمای نسل بعدی بینیم که اسلام را به منزله یک پیکر واحد می‌نگریستند که باید در برابر دشمن واحد اختلافات با یکدیگر را کنار بگذارند. ایادی انگلیس بسیار برای تفرقه انداختن میان شیعه و اهل سنت در این دوران کوشیدند و حتی فرزند میرزا در توطئه مشکوکی کشته شد اما میرزا با سکوت خود هرگز اجازه سوءاستفاده از این قضیه را نداد. نتیجه این اقدام را می‌توان سالیان بعد در علمای اهل سنت سامرا و استقبال آنان از امام خمینی (ره) در ایام تبعید به عراق مشاهده کرد.

عراق مشاهده کرد.



■ **شاگردان مکتب سامرا**

شیخ عبدالکریم حائری بزدی

عبدالکریم حائری بزدی معروف به آیت‌الله مؤسس و مراجع تقلید عام شیعه بنیانگذار و زعیم حوزه علمیه قم از سال ۱۳۰۱ هجری شمسی بود. وی سالیان طولانی به تحصیل علوم دینی در حوزه کر بلا، نجف و سامرا پرداخت و مدتی نیز اداره حوزه علمیه اراک را اداره می‌کرد تا وقتی که به دعوت عالمان قم به این شهر رفت و حوزه علمیه قم را تأسیس کرد. حوزه قم فقهای بزرگی را پرورش داد که در آینده تاریخ کشور سهم آفرین بودند. مرحوم آیت‌الله اراکی، مرحوم آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم امام خمینی از جمله علمای هستند که پس از آیت‌الله حائری به مقام مرجعیت رسیدند.

شیوه تقریر در مکتب سامرا امثال تفاوت جالبی با مکتب نجف داشت. بدین شیوه که استاد درس خود را برای شاگردان بیان می‌کرد و سپس در جلسه‌ای یکی از شاگردان زبده، همان درس را باقرائت خود برای دیگر طلاب بیان می‌کرد. آنچه آن شاگرد یا دیگر شاگردان از این شرح مباحث استاد یادداشت می‌کردند، تقریرات آن درس بود. میرزا به نگارش این تقریرها اهمیت می‌داد و گاه بعضی از این تقریرها را مورد تشویق قرار می‌داد یا در منابر خود از آنها استفاده تقریرهای متعدد با الهام از اندیشه مؤلف آن شد که به رشد و پویایی علمی دروس و کارآمدسای آن می‌افزود.

ج) اسنادگی از بنوشتر

یکی از ویژگی‌های اهل مکتب سامرا، نوشتن ساده و بهرپس از تکلف در نگارش برخلاف مکتب نجف بود. کنار گذاشتن ادبیات مغلّق و پیچیده سبب شد درس موختگان مکتب سامرا بتوانند هر چه بهتر با مردم ارتباط برقرار کنند و متون خود را به درک عمومی و قابلیت همه فهمی برسانند. توجه به شعر و ادب از دیگر ویژگی‌های مکتب سامرا بود. میرزا خود اهل ادب و شعر بود و به شاعران نیز اهمیت می‌داد که این خود سبب شد شاعران بسیاری در سامرا در آن دوره گردهم آیند.

د) تربیت استاد

یکی از وظایف اساسی حوزه‌های علمیه تربیت علما و فقهایی‌است که بتوانند در بلاد خود نقش آفرین باشند.

جانشین وی و مرجع تقلید شیعیان شد.

آیت‌الله فشارکی اصفهانی

وی از نخستین شاگردان میرزای شیرازی در نجف اشرف بود که با عزمیت میرزا به سامرا، به زودی با هجرت به این شهر، و به وی پیوست. از مرحوم فشارکی، تقریرات میرزای شیرازی به جای مانده است.

ویژگی مهم مرحوم فشارکی اصفهانی، پیشرو بودن در اخلاق دینی و تواضع بود، به طوری که به عنوان مثال فرزند ایشان خاطره‌ای جالب از دوران پس از رحلت میرزای شیرازی از ایشان بیان می‌کند و می‌گوید:بعد وفات میرزای شیرازی ی بزرگ، پدرم توسط من به مرحوم آقا میرزا محمدتقی شیرازی پیغام داد که «اگر شما خود را اعلم از من می‌دانید بفرمایید تا من زن و بچهام را در امر تقلید، به شما ارجاع دهم و اگر مرا اعلم می‌دانید شما خانواده خود را در مسئله تقلید، به من ارجاع دهید.» وقتی این پیام را به میرزا رساندم، تأملی کرد و فرمود: «خدمت آقا عرض کنید که آقا خودشان، چگونه می‌دانند؟» من این سؤال را که به منزله جواب بود، خدمت پدرم عرض کردم. پدرم فرمود: «برو عرض کن که شما در علمیت، چه چیز را امیزان و معیار می‌دانید؟ اگر دقت نظر، امیزان باشد، شما علمید و اگر فهم عرفی معیار باشد، من اعلم هستم.» من دوباره این پیام را به میرزا رساندم. ایشان باز تأملی کرده و فرمودند: «خودشان کدام یک از این دو را امیزان قرار می‌دهند؟» من باز گشتم و این جواب را که سؤال بود، ابلاغ کردم. آقا تأملی کرد و فرمود: «بعید نیست که دقت نظر، امیزان و ملاک علمیت باشد.» آن‌گاه فرمود: «همگی از میرزای شیرازی تقلید کنیم.»

■ **شیخ فضل‌الله نوری**

وی از نخستین شاگردان میرزای شیرازی بود و میرزا علاقه فراوانی به او داشت، چنانچه از ایشان درباره شیخ فضل‌الله نقل شده‌است: «میان من و شیخ فضل‌الله صدفیتی نیست، ایشان، خود من و نفس من است.» شیخ فضل‌الله نوری پس از بهر‌مندی از مکتب میرزای شیرازی، در جریان نهضت مشروطه به عنوان یکی از فعالان اجتماعی و روشن اندیش، به تشریح انحرافات موجود در قیام پرداخت و کوشید تا بنای مشروعت مشروطه را بگذارد و جان خود را نیز در این مسیر گذاشت. یکی از آثار به جای مانده از شیخ فضل‌الله، تقریرات درس اصول میرزای شیرازی است.

■ **میرزای نائینی**

نائینی از نخستین اندیشمندانی‌است که به صراحت از لزوم وجود قانون اساسی در دولت اسلامی سخن گفته است. به اعتقاد او در دوران غیبت و در غیاب ملکه عصمت «خستین چیزی که می‌تواند حافظ عدالت و مانع طغیان حکومت‌گران باشد، قوای



قانونی و قانون اساسی است.»

گرایش سیاسی نائینی نزدیک به میرزای شیرازی و همچنین سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود که از دوستان دوران جوانی او به شمار می‌رفت. نائینی به ولایت فقیه قائل است. در آثار به جامانده از نائینی در مجموع دو قول درباره قلمرو ولایت فقیه از وی به یادگار مانده‌است. قول اول نیابت فقیه در امور حسبیه است. نائینی در کتاب «تنبیه‌الامه و تنطیه‌المله» می‌نویسد:

«[از جمله قطعیات مذهب ما طایفه امامیه این است که در این عصر غیبت علی مغفیه‌السلام، آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهلان آن حتی در این زمینه معلوم باشد، وظایف حسبیه نامیده و نیابت فقهای عصر غیبت را در آن قدر متیقن ثابت دانستم، حتی با عدم نیابت نیابت عامه در جمیع مناصب و چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام بلکه اهمیت وظایف راجع به حفظ و نظم ممالک اسلامیة از تمام امور حسبیه از اوض قطعیات است، لذا نیوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف مذکوره از قطعیات مذهب خواهد بود.»

و نیز «بنا بر اصول ما طایفه امامیه اینگونه‌امور نوعیه و سیاست‌امور امت را از وظایف بررسی مبنای فکری و اجتماعی مشروطیت ایران نواب عام عصر غیبت علی مغفیه‌السلام می‌دانیم.»

■ **فرجام سخن**

مکتب سامرا را می‌توان آغازی بسر جریان تحول حوزه علمیه شیعه محسوب کرد. حوزه‌ای که چه از نظر شیوه تعلیم و تربیت و چه محتوای آموزشی و پژوهشی مقتضی با زمان حرکت می‌کند و در آن افراد آری رشد می‌کنند که تاریخ شیعه در قرون آتی مدیون آنهاست. حوزه علمیه قم و پرورش یافتگان آن را می‌توان ادامه دهنده شیوه مکتب نجف دانست که انقلاب اسلامی مدیون زحمات آنهاست. همه اینها را می‌توان مستقیماً یا باواسطه حاصل‌نژش و تفکر ناب میرزای شیرازی دانست که در ایران و عراق منبج به تحول سیستم حوزوی از شکل سنتی به گونه‌ای نوین گردید.